

جمع بندی

کلمه‌ای در معنای غیر حقیقی به کار رود ← آرایه مجاز
 نشانه‌ای که به غیر حقیقی بودن معنا پی می‌بریم ← قرینه
 ارتباط میان معنای حقیقی و غیر حقیقی ← علاقه

درس ۹

استعاره



درسنامه

فرض کنید در موقعیت بدی گیر افتاده‌اید؛ مثلاً سر کلاس آشوبی به پا کرده‌اید و معلم را به‌حدی عصبانی کرده‌اید که دفتر شما را احضار کرده! (اینجا «دفتر» مجاز از چیه؟! و چون دفعه اولتان هم نبوده، اوضاع حساسی «شیر تو شیر» است. در همین لحظه یکی از دبیران (که احتمالاً دبیر ادبیات هست!) وساطت می‌کند و مدیر، معاون و معلم دیگر، این بار هم گذشت می‌کنند. وقتی دارید این ماجرا را برای دوستانتان تعریف می‌کنید و می‌گویید که چه کسی نجاتتان داده، همان لحظه معلم ادبیاتتان را می‌بینید که در راهرو قدم می‌زند و شما به دوستانتان می‌گویید: «اینها! فرشته نجات!» چه اتفاقی در پس ذهن شما افتاد که این ترکیب را برای دبیرتان به کار بردید؟ درست است! شما در ذهن خودتان، «دبیر» را به «فرشته نجات» تشبیه کردید؛ اما آیا گفته‌اید: «معلم مثل فرشته نجات، به دادم رسید؟» نه! شما تنها بخش دوم تشبیه؛ یعنی «مشبه‌به» را به کار برده‌اید.

خب حالا چی؟ هرگاه ما در ذهن خودمان چیزی را به چیز دیگری تشبیه کردیم؛ اما یکی از ارکان اصلی تشبیه؛ یعنی مشبه یا مشبه‌به را حذف نمودیم با آرایه «استعاره» سروکار داریم. این بیت را نگاه کنید:

«مرا برف باریده بر پر زاغ نشاید چو بلبل تماشای باغ»

شاعر می‌گوید که شایسته نیست که مانند بلبل باغ را تماشا کند. چرا؟ چون بر پر زاغ شاعر برف باریده است. به نظرتان منظور از «پر زاغ» و «برف» چیست؟ قطعاً منظور شاعر این نیست که زاغی روی درختی نشسته و برف روی پره‌ای او باریده! در اینجا شاعر «موهای سیاه» خود را به «پر زاغ» تشبیه کرده است. وقتی این تشبیه را درک کنیم، متوجه می‌شویم که منظور از «برف» هم «موهای سفید» است؛ پس در اینجا با دو تشبیه روبه‌رو هستیم:

۱. موهای سیاه ← پر زاغ
۲. موهای سفید ← برف

اما در این تشبیه‌ها بخش اول، یعنی مشبه نیامده است؛ بنابراین با «استعاره» روبه‌رو هستیم.

مشق نمونه خروار

☆ «شمس و قمرم آمد، سمع و بصرم آمد وان سیم‌بزم آمد، وان کان (معدن) زرم آمد»

شاعر می‌گوید: خورشید و ماه من، گوش و چشم من، آن کسی که آغوشی (بر) از نقره دارد و معدن طلاست، آمد. منظور از این‌ها کیست که انقدر برای شاعر عزیز و مهم است؟ بله، معشوق! در اینجا معشوق (مشبه) به شمس، قمر، سمع، بصر، سیم‌بَر و کان زر تشبیه شده است (مشبه‌به)؛ اما طرف مشبه حذف شده؛ بنابراین این واژگان همگی استعاره از معشوق هستند.

☆ «بخت آن نکند با من کان شاخ صنوبر را بنشینم و بنشانم، گل بر سرش افشانم»

قطعاً منظور شاعر این نیست که شاخه‌ای از درخت صنوبر را در جایی بگذارد (بنشانند!) و گل روی آن بریزد! شاعر محبوب خود را به شاخه‌ای از درخت صنوبر (به‌خاطر راست‌قامتی و خوش‌قامتی) تشبیه کرده و در گفتار نهایی، طرف اول تشبیه (مشبه)، حذف و «شاخ صنوبر»، استعاره‌ای از «محبوب» شده است.

یک نکته ریز: اگر به مثال‌های قبل توجه کرده باشید، حتماً متوجه شده‌اید که شباهت زیادی میان استعاره و مجاز وجود دارد؛ چون واژگان در معنای غیر حقیقی خود به کار رفته‌اند.

در همان مثال قبلی، «شاخ صنوبر» در معنای حقیقی خود؛ یعنی «شاخه درخت صنوبر» به کار نرفته است. ← مجاز و ارتباطی که میان شاخ صنوبر و معنای غیر حقیقی آن (معشوق) وجود دارد، رابطه شباهت است.

← می‌توانیم بگوییم که استعاره‌های حاصل از حذف مشبه همگی مجاز با علاقه شباهت هستند!

??

محک بز نیم

در ابیات زیر استعاره‌ها را مشخص کنید.

- ۱ دهقان سالخورده چه خوش گفت با پسر
- ۲ ما ز آغاز و ز انجام جهان بی‌خبریم
- ۳ باغ مرا چه حاجت سرو و صنوبر است
- ۴ هر کاو نکاشت مهر و ز خوبی گلی نجید
- ۵ قضا چون ز گردون فروهشت پر

یا قتها

- ۱ در مصراع دوم، «ای نور چشم من» در خطاب به «پسر» آمده؛ درواقع «پسر» به «نور چشم» تشبیه شده است. در اینجا شاید از خودتان پرسید که واژه «پسر» در بیت آمده؛ یعنی حذفی صورت نگرفته تا آن را استعاره به حساب بیاوریم ...
- یک نکته ریز: حواستان باشد که ما استعاره را در قالب یک جمله بررسی می‌کنیم و به جمله‌های قبل یا بعد آن کاری نداریم. در این بیت جمله‌ها بدین گونه است:

دهقان سالخورده با پسر چه خوش گفت. ای نور چشم من! به جز از کشته ندروی.

- جمله ۱ جمله ۲ جمله ۳
- در جمله دوم، خبری از «پسر» به عنوان «مشبه» نیست؛ تنها در جمله قبل توضیح این آمده که منظور از نور چشم کیست. (درواقع یک جور کمک به حساب می‌آید.)
 - در مصراع دوم واژه «کهنه کتاب» با توجه به مصراع اول، استعاره از «جهان» است. (مانند مثال قبل، باید استعاره را در جمله‌ای مستقل بررسی کنیم.)
 - شاعر می‌گوید: باغ من نیازی به درخت برای زیبایی ندارد؛ چراکه شمشاد است که در خانه من تربیت شده از تمام آن‌ها بهتر است؛ واقعاً منظور شاعر از «شمشاد خانه‌پرور» درخت شمشاد نیست که تازه آن را هم تربیت کند! پس منظور از «شمشاد»، «محبوب» است.
 - به مصراع اول دقت کنید: هرکسی «مهر» «نکاشت» و از «خوبی» «گلی نجید».
 - مهر و محبت کاشتنی است؟! یا خوبی، گل دارد که بتوان از آن چید؟! آن چیزی که کاشته می‌شود، «دانه» است و آنجایی که از آن گل می‌چینند «باغ» است؛ درواقع شاعر «مهر» را به «دانه» و «خوبی» را به «باغ» تشبیه کرده و بخش دوم تشبیه، مشبه‌به را حذف کرده است.
 - گفتیم که اگر هر کدام از رکن‌های اصلی، چه مشبه و چه مشبه‌به حذف شود؛ استعاره داریم.
 - قضا (سرنوشت) زمانی که پر باز کرد (پرواز) کرد ...
 - سرنوشت که واقعاً نمی‌تواند پرواز کند! پرند است که پرواز می‌کند؛ بنابراین «قضا» در اینجا به «پرنده» تشبیه شده که پرنده به عنوان مشبه‌به حذف شده است.

داخل پراتنز: احتمالاً با استعاره‌های پرکاربرد زبان فارسی آشنا هستید: سرو، ماه، غزال (استعاره از معشوق)، لعل، پسته، غنچه (استعاره از دهان)، کمان (استعاره از ابرو) اما این نکته مهم را به خاطر بسپارید که شرط استعاری بودن یک واژه، غیر حقیقی بودن معنای آن است؛ یعنی آن واژه حتماً به علت شباهت به جای لغت دیگر به کار رفته است و اگر کلمه در معنای حقیقی خود استفاده شده باشد دیگر استعاره نیست:

«تا قیامت می‌دهد گرمی به دنیا آتشم آفتاب روشنم نسبت مکن با آتشم»

در این بیت واژه «آتش» که یکی از استعاره‌های پرکاربرد شعر فارسی است به کار رفته است. در مصراع اول این واژه استعاره از اشتیاق و شور عشق دارد اما در مصراع دوم در معنای واقعی خود استفاده شده است.

انواع استعاره

اگر به استعاره‌های ابیات «محک بز نیم» نگاه دوباره‌ای بیندازید، متوجه می‌شوید که بعضی از استعاره‌ها با حذف مشبه و برخی دیگر با حذف مشبه‌به ساخته شده‌اند.

اگر رکن «مشبه» را حذف کنیم. ← استعاره مصرحه

اگر رکن «مشبه‌به» را حذف کنیم. ← استعاره مکنیه (پنهان)

یک نکته ریز: معمولاً در «استعاره مکنیه»، «مشبه» با «ویژگی‌های مشبه‌به» همراه است؛ مثلاً در جمله «به صحرا شدم، عشق باریده بود»، «باریدن از ویژگی‌های «باران» است، نه عشق! از همین فعل «باریدن» متوجه می‌شویم که در پس ذهن، «عشق» به «باران» تشبیه شده است که بخش دوم حذف و ویژگی‌ای از آن آمده است.

حالا بیایید نگاهی به این ابیات و استعاره‌های آن‌ها بیندازیم:

«هر زمانی چنار سوی فلک به مناجات دست بردارد»

اینکه «چنار»، «دست بردارد» (بلند کند) و مناجات کند؛ عادی نیست! درواقع «چنار» به «انسان» تشبیه شده که دعا می‌کند. در اینجا «مشبه» به همراه یکی از ویژگی‌های «مشبه‌به» یعنی «دست برای دعا برداشتن» آمده است. ← استعاره مکنیه

۷۵۰. در کدام گزینه آرایه تشبیه وجود ندارد؟

- ۱ در آب و گل ز آدم خاکی نشان نبود
- ۲ اگرچه از من مسکین، رقیب در خشم است
- ۳ طومار ندامت است طبع من
- ۴ دل من در هوس روی تو ای مونس جان!

۷۵۱. در همه ابیات؛ به جز آرایه تشبیه دیده می‌شود.

- ۱ بگشای تربتم را بعد از وفات و بنگر
- ۲ فراق یار که پیش تو کاهبرگی نیست
- ۳ مزرع عمر مرا آمده هنگام درو
- ۴ قامتش را سرو گفتم، سرکشید از من به خشم

۷۵۲. در همه ابیات آرایه تشبیه دیده می‌شود؛ به جز:

- ۱ شمعیم و خوانده‌ایم خط سرنوشت خویش
- ۲ یکی درخت گل اندر میان خانه ماست
- ۳ ذره خاکم و در کوی توام جای خوش است
- ۴ باده گلرنگ تلخ تیز خوشخوار سبک

۷۵۳. کدام بیت تشبیه ندارد؟

- ۱ گفتمش سلسله زلف بتان از پی چیست؟
- ۲ تا سر زلف پریشان تو محبوب من است
- ۳ ندا به ساقی سرمست گل‌عذار رسید
- ۴ ما سپر انداختیم، گردن تسلیم پیش

۷۵۴. در کدام بیت «تشبیه» به کار رفته است؟

- ۱ سری که بر سر گردون به فخر می‌سودم
- ۲ به پای شوق گر این ره به سر شدی حافظ
- ۳ ز سوز شوق دلم شد کباب دور از یار
- ۴ دریغ مدت عمرم که بر امید وصال

۷۵۵. در همه گزینه‌ها؛ به جز ادات تشبیه ذکر شده است.

- ۱ گرم در خواب بنمایی رخ چون شعله رخشان
- ۲ چشم آهووشش به مخموری
- ۳ چو ماه روی تو در شام زلف می‌دیدم
- ۴ چو آفتاب رخ تو بتافت بر رخ من

۷۵۶. در همه گزینه‌ها؛ به جز همه پایه‌های تشبیه ذکر شده است.

- ۱ چو آینه‌ست و ترازو خموش و گویا یار
- ۲ چو دریای خون شد همه دشت و راغ
- ۳ ای شاهد افلاکی، در مستی و در پاکی
- ۴ چون شبمن اوفتاده بُدم پیش آفتاب

۷۵۷. «وجه‌شبه» در گزینه آورده شده است.

- ۱ تنت را دید گل، گویی که در باغ
- ۲ ماه و خورشید به منزل چو به امر تو رسند
- ۳ گفت حافظ! من و تو محرم این راز نه‌ایم
- ۴ در طبع شهریار خزان شد بهار عشق

۷۵۸. در کدام گزینه همه پایه‌های تشبیه وجود دارد؟

- ۱ ایام گل چو عمر به رفتن شتاب کرد
- ۲ یا بهار عمر من رو به خزان خواهد نهاد
- ۳ مزه و ابروی او دیدم و با دل گفتم
- ۴ شاکرم شاکر اگر زهر پیایی بخشد

۷۵۹. در کدام گزینه هر چهار پایه «تشبیه» وجود ندارد؟

- ۱ شبی چون شبه روی شسته به قیر
- ۲ به کارخانه یکتایی این چه استغناست
- ۳ گرت ز دست برآید چو نخل باش کریم
- ۴ گفتا برو چو خاک تحمل کن ای فقیه

کاغشته شد به آب محبت خمیر ما
تو را نظر چو به عین رضاست، خرده مگیر
حرفی است هر آتشی ز طومارم
خاک راهی است که در دست نسیم افتاده است

کز آتش درونم دود از کفن برآید
بیا و بر دل من ببین که کوه الوند است
خانه تاراج حوادث شده، جانم به گرو
دوستان! از راست می‌رنجد نگارم، چون کنم؟

ما را برای سوز و گداز آفریده‌اند
که سروهای چمن پیش قامتش پست‌اند
ترسم ای دوست! که بادی بیرد ناگه
نقلش از لعل نگار و نقلش از یاقوت خام

گفت حافظ گله‌ای از دل شیدا می‌کرد
روزگارم به سر زلف پریشان ماند
که طرف دشت چو رخسار سرخ مستان شد
گر بکشی حاکمی، ور بدهی زینهار

به راستان که نهادم بر آستان فراق
به دست هجر ندادی کسی عنان فراق
مدام خون جگر می‌خورم ز خوان فراق
به سر رسید و نیامد به سر زمان فراق

به خاک پایت ای دلبر که سر بازم چو پروانه
رنگ از خون شیر می‌ریزد
شیم به روی تو روشن چو روز می‌گردید
گمان فتاد رخم را که هم‌عذار توام

ز من رمیده که او خوی گفت‌وگو دارد
جهان چون شب و تبغ‌ها چون چراغ
من چشم تو را مانم، تو اشک مرا مانی
مهرم به جان رسید و به عیوق بر شدم

چو مستان جامه را بدرید بر تن
یار مه‌روی مرا نیز به من بازرسان
از می لعل حکایت کن و شیرین‌دهتان
زیرا تو خرمن گل و ریحان نیامدی

ساقی به دور باده گلگون شتاب کن
یا نهال قامت او را به بر خواهم گرفتم
که به جان از پی آن تیر و کمان باید رفت
خوش‌دلم خوش‌دل اگر نیش دمام دارد

نه بهرام پیدا، نه کیوان، نه تیر
جهان جلوهای و جلوه روبه‌روی تو نیست
ورت ز دست نیاید چو سرو باش آزاد
یا هرچه خوانده‌ای همه در زیر خاک کن

(تبریزی ۹۴)

۷۶۰. در منظومۀ زیر چند تشبیه وجود دارد؟

«مرا هر لفظ فریادی است کز دل می‌کنم بیرون / مرا هر شعر دریایی است لبریز از شراب خون / کجا شهد است این اشکی که در هر دانه لفظ است / مرا این، کاسه خون است / چنین آسان منوشیدش»

- ۱ سه
۲ چهار
۳ پنج
۴ شش

۷۶۱. کدام بیت آرایه تشبیه بیشتری دارد؟

- ۱ به خنده‌ای به بت بادام چشم شیرین لب
۲ دل که از ناوک مژگان تو در خون می‌گشت
۳ دجله اشک از بهار شوق طغیان کرده است
۴ ماهی که دوش خرمن صبرم به باد داد
- شکر بریزد از آن پسته دهان که تو راست
باز مشتاق کمان‌خانه ابروی تو بود
رازهای سینه را خاشاک طوفان کرده است
امروز برق عشق زد آتش به خرمنش
- (ناوک = نیزه کوتاه)

۷۶۲. کدام گزینه تعداد درستی از مشبیه‌ها را نشان می‌دهد؟

- الف) فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترد؛ باد صبا
ب) زنی که گوهر تعلیم و تربیت نخرید / فروخت گوهر عمر عزیز را ارزان؛ گوهر
پ) در دفتر زمانه فتد نامش از قلم / هر ملتی که مردم صاحب‌قلم نداشت؛ دفتر
ت) سعدیا، گر بکند سیل فنا خانه عمر / دل قوی دار که بنیاد بقا محکم از اوست؛ عمر
ث) دست از مس وجود چو مردان ره بشوی / تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی؛ کیمیا
ج) سنگ سراچه دل به الماس آب دیده می‌سقتم؛ سنگ

- ۱ سه
۲ یک
۳ چهار
۴ دو

۷۶۳. درباره ارکان تشبیه در کدام بیت اطلاعات درستی داده شده است؟

- ۱ دیدم به خواب دوش که ماهی برآمدی
۲ دوش دست طربم سلسله شوق تو بست
۳ ماجرا کم کن و باز آ که مرا مردم چشم
۴ باغبان گر پنج روزی صحبت گل بایدش
- کز عکس روی او شب هجران سرآمدی
پای خیل خردم لشکر غم از جا برد
خرقه از سر به درآورد و به شکرانه بسوخت
بر جفای خار هجران صبر بلبل بایدش
- (شب: مشبیه)
(سلسله: مشبیه)
(مردم: مشبیه)
(جفا: مشبیه)

۷۶۴. تعداد تشبیه‌ها در تمام گزینه‌ها؛ به جز یکسان است.

- ۱ لبان لعل چون خون کبوتر
۲ رشته صبرم به مقراض غمت بریده شد
۳ رخ گل را که عکس روی یار است
۴ کنون چه چاره که در بحر غم به گردابی
- سواد زلف چون پر پرستو
همچنان در آتش مهر تو سوزانم چو شمع
هوا مشاطه آب آینه‌دار است
فتاد زورق صبرم ز بادبان فراق

۷۶۵. در کدام بیت، طرفین تشبیه، فقط یک کلمه نیست؟

- ۱ خداوند شایم را روز گردان
۲ شبی دارم سیاه از صبح نومید
۳ ندارم طاقت این کوره تنگ
۴ چو برزد آتش مشرق زبانه
- چو روزم بر جهان پیروز گردان
در این شب روسپیدم کن چو خورشید
خلاصی ده مرا چون لعل از این سنگ
ملک چون آب شد ز آنجا روانه

۷۶۶. آرایه تشبیه در کدام بیت بیشتر است؟

- ۱ عشق به تاراج داد رخت صبوری دل
۲ مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو
۳ زیادتی مطلب کار بر خود آسان کن
۴ چون در شوی در باغ دل، مانند گل خوشبو شوی
- می‌نکنند بخت شور، خیمه ز پهلوی من
یادم از کشته خویش آمد و هنگام درو
صراحی می لعل و بتی چو ماهت بس
چون بر پری سوی فلک، همچون ملک مه‌رو شوی

۷۶۷. واژه «آفتاب» رکنی از تشبیه بیت زیر است. این واژه در همه گزینه‌ها؛ به جز نیز همان رکن از تشبیه محسوب می‌شود.

- «چو آفتاب می از مشرق پیاله برآید»
۱ ماه خورشیدنمایش ز پس پرده زلف
۲ چو آفتاب رخ تو بتافت بر رخ من
۳ عکس خوی بر عارضش بین کآفتاب گرم‌رو
۴ ز مشرق سر کو آفتاب طلعت تو
- ز باغ عارض ساقی هزار لاله برآید
آفتابی است که در پیش سجایی دارد
گمان فتاد رخم را که هم‌عذار توام
در هوای آن عرق تا هست هر روزش تب است
اگر طلوع کند طالعیم همایون است

۷۶۸. در کدام بیت، هر چهار پایه تشبیه ذکر شده است؟

- ۱ مرا ستاره صبحی که هرچه کوشیدم
۲ بی‌تأمل دم مزین کز لب گهر می‌ریزدش
۳ آب چشم و جان شیرین را کجا دارد دریغ؟!
۴ چو پیلی به اسب اندر آورد پای
- شد آخر از نظرم ناپدید، مادر بود
چون صدف هر کس سخن را در دهن می‌پرورد
هر که او را چون خیال دوست مهمانی بود
بیاورد چون باد لشکر ز جای

(انسانی ۸۴)

۱۰۵۶. از دیدگاه تاریخ ادبیات همه موارد ذکر شده درست است، به جز:

- ۱) کلیم کاشانی در غزل‌سرایی مشهور است و لقب «خلاق‌المعانی ثانی» را به دلیل مضمون‌های ابداعی به دست آورده است.
- ۲) مرصادالعباد در بیان سلوک دین و تربیت نفس انسانی نوشته شده و دارای سجع و موازنه است.
- ۳) «حبیب‌السیر» و «احسن‌التواریخ» هر دو از نمونه‌های نثر بینابین در سبک هندی است.
- ۴) ظهیرالدین بابر، کلیمه و دمنه را به انشای دوره خود بازگرداند و آن را «انوار سهیلی» نامید.

۱۰۵۷. سراینده کدام بیت نادرست ذکر شده است؟

- ۱) آتش است آب دیده مظلوم
 - ۲) ز منجیق فلک سنگ فتنه می‌بارد
 - ۳) تو این عهدی که با من بسته بودی
 - ۴) دست فلک ز کارم وقتی گره گشاید
- (پروین اعتصامی) (عرفی شیرازی) (طالب آملی) (فروغی بسطامی)

۱۰۵۸. سبک به کاررفته در کدام مورد متفاوت است؟

- ۱) گر دهر هست سرکش با تو کند تواضع
 - ۲) اسیر توست به خاک اندرون مخالف تو
 - ۳) در جهان تیر و کمان گر قلم فرخ توست
 - ۴) سایه قد تو بر قالبم ای عیسی‌دم
- ور چرخ هست توسن با تو کند مدارا
همی ز خاک به آتش برند اسیر تو را
پشت دشمن چو کمان دارد و خود چون تیر است
عکس روحی است که بر عظم رمیم افتاده است
- (عظم رمیم = استخوان پوسیده)

۱۰۵۹. ویژگی‌های «ادبی» سبک هندی در همه ابیات زیر دیده می‌شود؛ به جز:

- ۱) کام‌جویی غیر ناکامی ندارد حاصلی
 - ۲) بین به ساز و مپرس از ترانه‌ای که ندارم
 - ۳) نعت هر کس را همی یکسان شود اصل سخن
 - ۴) صبح از جان‌های روشن یاد می‌آید مرا
- در کف گلچین ز گلشن خار می‌ماند به‌جا
توان به دیده شنیدن فسانه‌ای که ندارم
چون به نعت او رسد اصل سخن دیگر شود
شام از تاریکی تن یاد می‌آید مرا

۱۰۶۰. وزن بیت زیر با کدام گزینه یکسان است؟

- «آنچه ز توست حال من گفت نمی‌توانمش»
- ۱) ما بنده او سلطان ما حکمش روان بر جان ما
 - ۲) فاتحه‌ای چو آمدی بر سر خسته‌ای بخوان
 - ۳) من تحفه از دل می‌کنم نزدیک جانان می‌برم
 - ۴) با چشم پر نیرنگ او حافظ مکن آهنگ او
- چون توبه من نمی‌رسی من به تو چون رسانمش
هست آن او نی آن ما هر چیز کز ما می‌برد
لب بگشا که می‌دهد لعل لب‌ت به مرده جان
ور نیز گوید جان بده من بنده فرمان می‌برم
کان طره شبرنگ او بسیار طراری کند

۱۰۶۱. وزن کدام مصراع «غلط» ذکر شده است؟

- ۱) چند خواهی پیرهن از بهر تن: -U - / -U - / -U -
- ۲) چو بادام و جوش نهی در کنار: -U / -U - / -U -
- ۳) شوق رخت پرده عظم درید: -U -U - / -U -U - / -U -
- ۴) تو گفתי رسته از مزگانش خنجر: -U -U - / -U -U - / -U -

۱۰۶۲. کدام بیت فاقد وزن دوری است؟

- ۱) هست از دو کعبه امروز دین خدای خرسند
 - ۲) زمزمه هر دم به لب از پی جام پر ز می
 - ۳) ای کعبه به ما از ما نزدیک‌تری اما
 - ۴) چرا از کعبه برگردم که گر خاری بود در ره
- کز فر آن دو کعبه است شاخ هدی برومند
وسوسه بی‌حدم بدل از غم یار نازنین
در چشم شترداران دور است بیابانت
برآرم آه و در یکدم بسوزانم مغیلان را

۱۰۶۳. با توجه به مباحث عروض و قافیه، کدام گزینه در مورد بیت زیر نادرست است؟

- «در شهر بی‌نشانان سلطان چه حکم داند»
- ۱) بیت دارای یک هجای کشیده است.
 - ۲) وزن بیت دوری است.
 - ۳) هجای آغازین هر دو مصراع بلند است.
 - ۴) بیت فاقد حذف همزه است.
- در ملک بی‌زبانان فرمان چه کار دارد

۱۰۶۴. کدام آرایه‌ها در بیت زیر به کار رفته است؟

- «دل پس از طوف حرم بر در میخانه نشست»
- ۱) جناس - تشبیه - ایهام - مجاز
 - ۲) تشبیه - کنایه - جناس - ایهام
 - ۳) کنایه - مجاز - تناسب - استعاره
 - ۴) استعاره - جناس - تشبیه - مجاز
- هر کجا شیشه می دید چو پیمانه نشست

۱۰۶۵. مجموعاً چند «تشبیه» در ابیات زیر دیده می‌شود؟

- الف) موج می‌تیغ است بروی جلوه گل آتش است
ب) دل که چون تر گس مست به شراب افتاده است
پ) ز اشک و چهره در عشقت همه سال
ت) عشق با سیلاب پنداری ز یک سر چشمه است
- هر کجا طبع بلند از دهر بی‌حاصل گرفت
دفتر معرفت ماست در آب افتاده است
به سیم و زر تجمیل می‌توان کرد
جای خود ویران کند هر جا دمی منزل گرفت

- ۱) ۸
- ۲) ۹
- ۳) ۷
- ۴) ۶

۷۷۶. گزینه ۲. تشبیهات:

۱. عقاب جور ← تشبیه «جور» به «عقاب»
۲. تیر آه ← تشبیه «آه» به «تیر»
۳. کمان گوشه‌نشینی ← تشبیه «گوشه‌نشینی» به «کمان»

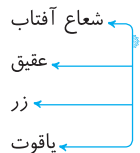
بررسی سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۱: «تشبیه «زلف» به «کمند»، «ابرو» به «کمان»، «قامت» به «سرو»، «روی» به «بهار» ← ۴ تشبیه
- گزینه ۳: «تشبیه «من» به «خاک»، «تو» به «آفتاب» و «ابر» ← ۴ تشبیه
- گزینه ۴: «تشبیه «زلف» به «شب»، «لحظه» به «روز»، «روز» به «هفته»، «هفته» به «ماه» ← ۴ تشبیه

۷۷۷. گزینه ۴. بیت فقط یک تشبیه دارد: تشبیه «ما» به «در مکنون»

بررسی سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۱: «ایام گل» ← به «رفتن عمر» تشبیه شده است.
۲. «یاده گلگون» ← «یاده» از نظر سرخی به «گل» تشبیه شده است («گون» را می‌توان ادات تشبیه به حساب آورد).
- گزینه ۲: ۱. «خورشید عشق» ← تشبیه «عشق» به «خورشید»
۲. «نور عشق» ← تشبیه «عشق» به «نور»



۷۷۸. گزینه ۴. در «اضافه تشبیهی» باید بتوان گفت که «مضاف‌الیه» مانند «مضاف» است.

با این روش، تنها ترکیب‌های گزینه ۴ همگی رابطه همانندی را دارند.

۷۷۹. گزینه ۲. بررسی همه گزینه‌ها:

- گزینه ۱: «تشبیه «رفتار» (راه رفتن) به «سرو»
۲. تشبیه «قامت» به «صنوبر»
۳. تشبیه «رخسار» به «ماه»
۴. تشبیه «منظر» به «ملایک»
- گزینه ۲: ۱. تشبیه «بر» دلدار به «سمن»
۲. تشبیه «رخ» دلدار به «گل»
۳. تشبیه «دلدار» به «صنم»
- گزینه ۳: ۱. تشبیه «فر» معشوق به «هما»
۲. تشبیه «حسن» معشوق به «طاووس»
۳. تشبیه «نطق» معشوق به «طوطی»
۴. تشبیه «رفتار» و «حرکت» معشوق به «تذرو»
- گزینه ۴: ۱. تشبیه «زلف» معشوق به «بنفشه»
۲. تشبیه «بر» معشوق به «نسرین»
۳. تشبیه «معشوق» به «سمن‌بو»
۴. تشبیه «حسن» معشوق به «ماه»

۷۸۰. گزینه ۳. در این بیت اصلاً آرایه «تشبیه» به کار نرفته است. «چو» در معنای «وقتی‌که» است.

۷۸۱. گزینه ۱. در «تشبیه گسترده» هر چهار رکن یا سه رکن تشبیه باید ذکر شده باشند.

در گزینه ۱ «تشبیه «شراب عشق» تنها دو رکن مشبه و مشبه‌به را دارد؛ بنابراین «تشبیه فشرده» است.

۷۸۲. گزینه ۳. در این بیت «تشبیه» به کار نرفته است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۱: «ضمیر دوست» به «جام جهان‌نما» تشبیه شده است. «ادات» و «وجه شبه» در بیت دیده نمی‌شود. ← تشبیه فشرده و چون به صورت جمله اسنادی آمده ← تشبیه فشرده (بلیغ) اسنادی

گزینه ۳: «تشبیه: خیال دوست / مشبه‌به: مهمان / ادات تشبیه: چون / وجه شبه: -

گزینه ۴: «تشبیه: او / مشبه‌به: پیل، باد / ادات تشبیه: چو / وجه شبه: -

۷۶۹. گزینه ۳. مشبه: زلف / مشبه‌به: کمند / ادات تشبیه: چون / وجه شبه: -

حواستان باشد! در گزینه ۱، «پسوند «وار» که شباهت را می‌رساند، «ادات تشبیه» است.

۷۷۰. گزینه ۴. در این بیت «پیچیدن» وجه شبه است؛ ویژگی مشترک بین کس و موج، پیچیدن است.

۷۷۱. گزینه ۱. تشبیه‌هایی که در این بیت به کار رفته:

۱. آتش آه ← اضافه تشبیهی (فقط رکن مشبه و مشبه‌به را داریم)
۲. روزم چو شب ← مشبه: روز / مشبه‌به: شب / ادات: چو / وجه شبه: -
۳. شیم چون روز ← مشبه: شب / مشبه‌به: روز / ادات تشبیه: چون / وجه شبه: -

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲: برای پیدا کردن مشبه در این بیت، مانند روش پیدا کردن نهاد عمل می‌کنیم.

چه کسی در دام آورد؟! ← مشبه: او (معشوق) / مشبه‌به: صیادان / ادات تشبیه: چو / وجه شبه: در دام آوردن (چون از ویژگی‌های صیاد، به دام انداختن است).

گزینه ۳: «تشبیه: من / مشبه‌به: لاله / ادات تشبیه: چون / وجه شبه: خونین دل بودن

گزینه ۴: «تشبیه: خود / مشبه‌به: عنکبوت / ادات تشبیه: چون / وجه شبه: تار تنیدن

۷۷۲. گزینه ۳. از روش پیدا کردن نهاد استفاده می‌کنیم:

چه کسانی به کردار صدف گرد بر گردش [بودند]? آن‌ها = مشبه که در جمله ذکر نشده است.

۷۷۳. گزینه ۴. تشبیهات این بیت:

۱. مرغ دل ← «دل» به «مرغ» (پرنده) تشبیه شده است.
۲. دام زلف ← تشبیه «زلف» به «دام»
۳. دانه خال ← تشبیه «خال» صورت به «دانه»
۴. طایر اندیشه ← تشبیه «اندیشه» به «طایر» (پرنده)
۵. دام هوس ← تشبیه «هوس» به «دام»

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «تشبیه «بلا» به «خار» / گل‌چهره ← تشبیه «چهره» به «گل»

گزینه ۲: «تشبیه «اشک» به «سیل»

گزینه ۳: «سروی است قامت تو» ← تشبیه «قامت تو» به «سرو» / ماهی است عارض تو ← تشبیه «عارض تو» به «ماه»

۷۷۴. گزینه ۲. ۱. به‌سان خاک ۲. چو جان ۳. چو عقل

حواستان باشد! وقتی یک مشبه، به دو یا چند مشبه‌به تشبیه می‌شود، به تعداد مشبه‌به‌ها، تشبیه داریم.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «دانه خال ← تشبیه «خال» به «دانه» / مرغ خرد ← تشبیه «خرد» به «مرغ»

گزینه ۳: «دیده» به «طاووس» تشبیه شده است.

گزینه ۴: «چنبر عشق» ← تشبیه «عشق» به «چنبر» / ریسمان فراق ← تشبیه «فراق» به «ریسمان»

۷۷۵. گزینه ۳.

۱. تشبیه «گل» به «یوسف»
۲. تشبیه «عالم پیر» به «زلیخای جوان»

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «تشبیه «چشم» به «نرگس» / تشبیه «روی» به «گل» / تشبیه «قامت» به «شمشاد»

گزینه ۲: «تشبیه «من» به «ستون» / تشبیه «غم» به «خانه» / تشبیه «غم» به «بار»

گزینه ۴: «تشبیه «تو» به ۱. سرو جویبار ۲. لاله بهار ۳. حور دلربا

۱۰۵۵. **کینه ۲** — «مکاتیب» و «مجالس سبعة» هر دو از مولوی، «نفحات الانس» و «تحفة الاحرار» هر دو از جامی، «رساله دلگشا» و «صد پند» از عبید زاکانی و «عشاق نامه» و «لمعات» اثر فخرالدین عراقی است.

۱۰۵۶. **کینه ۴** — «ملاحسین واعظ کاشفی» در قرن های هفتم و هشتم کلبه و دمنه را بازنویسی کرد و آن را انوار سهیلی نامید.

۱۰۵۷. **کینه ۱** — این بیت از «سیف فرغانی» است. توصیه ما به شما: به نام سرایندگان و نویسندگان آثار در خودارزیابی های کتاب درسی دقت کنید.

۱۰۵۸. **کینه ۴** — در سه گزینۀ اول سبک ایبات، خراسانی است اما در بیت گزینۀ چهارم سبک عراقی مشهود است.

در ایبات گزینۀ های «۱»، «۲» و «۳» شاعر به مدح سلطان و ممدوح خویش پرداخته است که از مضامین مهم سبک خراسانی است. در بیت گزینۀ «۱» قدرتمندی و اثرگذاری ممدوح، در گزینۀ «۲» جنگاوری و قدرتمندی ممدوح و در گزینۀ «۳» رزم آوری او مورد تحسین قرار گرفته است. همان طور که می بینید این ویژگی کاملاً «عینی و مادی» است. اما در گزینۀ «۴» قدرت جان بخشی معشوق مورد ستایش است که امری ذهنی و غیرواقعی است. همچنین جنبۀ زمینی یا الهی بودن معشوق بیت گزینۀ «۴» بر ما پوشیده است. از سوی دیگر به کار گرفتن ترکیب عربی «عظم رمیم» اشاره خوبی به ویژگی های زبانی سبک عراقی است.

۱۰۵۹. **کینه ۳** — سادگی و برکنار بودن این بیت از آرایه های ادبی یادآور سبک خراسانی است.

در سایر ایبات ویژگی های ادبی سبک هندی به این ترتیب است: گزینۀ «۱»: استفاده از آرایۀ «اسلوب معادله»
گزینۀ «۲»: استفاده از «حس آمیزی» در ترکیب «شنیدن با کمک دیده (چشم)»
گزینۀ «۴»: استفاده از ردیف های شعری طولانی: یاد می آید مرا

۱۰۶۰. **کینه ۲** — چنین شهاجا در بیت صورت سؤال و گزینۀ «۲» هر دو به این صورت است: —U-U / —U-U / —U-U / —U-U —
اما در سایر گزینۀ ها رکن «—U—» به صورت کامل و چهار بار تکرار شده: «مستغفلن مستغفلن مستغفلن مستغفلن»

۱۰۶۱. **کینه ۳** —

شو	ق	رُ	خَت	پَر	دِ	ی	عَق	لَم	ذَ	رید
—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	—

نکته مصوت «شو» در واژه «شوق» را بلند در نظر بگیرید. وزن در سایر گزینۀ ها به درستی ذکر شده است.

۱۰۶۲. **کینه ۴** — وزن این بیت از چهار بار تکرار رکن «مفاعیلن» تشکیل شده و فاقد وزن دوری است.

وزن دوری در سایر گزینۀ ها:

گزینۀ «۱»: مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن

گزینۀ «۲»: متفعّلن مفاعّلن متفعّلن مفاعّلن

گزینۀ «۳»: مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن

۱۰۶۳. **کینه ۱** — بیت دو هجای کشیده دارد:

حکم:	حُک	م
کار:	کا	ر

وزن بیت دوری است: مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن / هر دو مصراع با هجای بلند «در» آغاز شده است. / بیت فاقد حذف همزه است.

۱۰۶۴. **کینه ۴** — استعاره: طواف کردن دل و نشستن آن: استعارۀ مکنیه و تشخیص / مجاز: «شیشه» مجاز از جام می است. علاقۀ به کاررفته در این مجاز: «جنسیت» است. / تشبیه: دل چو پیمانه / جناس: «بر» و «در»

۱۰۶۵. **کینه ۲** — ۱- موج می / ۲- موج می همچون تیغ / ۳- جلوه گل همچون آتش / ۴- دل چون نرگس مست (چشم) / ۵- دفتر معرفت / ۶- دل که به هوای شراب افتاده همچون دفتری است که بر آب افکنده شده: تشبیه مرکب / ۷- اشک چون سیم / ۸- چهره چون زر / ۹- عشق پنداری سیلاب است.

ادارت تشبیه

۱۰۶۶. **کینه ۱** — در این بیت «جیب تفکر» استعارۀ مکنیه است. همچنین در مصراع دوم «سر به گریبان کشیدن جرس» تشخیص و استعارۀ مکنیه دارد. «سر به گریبان کشیدن» نیز کنایه از عزلت گزینی است.

بررسی سایر گزینۀ ها:

گزینۀ «۲»: در این گزینۀ تنها یک استعاره وجود دارد: «بتان» استعاره از زیبارویان، کنایه: «قمار باختن» کنایه از «از دست دادن»

گزینۀ «۳»: این بیت استعاره ندارد. دو کنایه در بیت دیده می شود. «تنگ آمدن حوصله» کنایه از «از دست دادن طاقت» و «تیر به سنگ آمدن» کنایه از «دست نیافتن به هدف»

گزینۀ «۴»: در این بیت تنها یک استعاره به کار رفته: «در دل»، کنایه ای در آن دیده نمی شود.

۱۰۶۷. **کینه ۳** — در این بیت تکرار صامت «ب» و «گ» در مصراع اول دیده می شود. اما واژگان در معنای واقعی خود به کار رفته اند و مجازی ایجاد نکرده اند.

بررسی سایر گزینۀ ها:

گزینۀ «۱»: مرغ دل: تشبیه - کف: مجاز از کل پنجه دست

گزینۀ «۲»: طایر معنی: اضافه تشبیهی - «خون در جگر کردن» کنایه از عذاب دادن

گزینۀ «۴»: تشبیه مرجح: رخ تو از گل هم زیباتر است. - استعاره: چشم رخنۀ دیوار

نکته دقت کنید در گزینۀ «۱» منظور از «کاغذ باد»، کاغذ بادبادکی است.

۱۰۶۸. **کینه ۳** — آرایه های مشترک بیت صورت سؤال و گزینۀ «۳» تشبیه و کنایه است.

بیت صورت سؤال: دل من (شاعر) چون لاله - «چشم داشتن» کنایه از انتظار داشتن / گزینۀ «۳»: دختر رز چون آدم - «جرم بر گردن گرفتن» کنایه از پذیرفتن جرم

بررسی آرایۀ سایر گزینۀ ها:

گزینۀ «۱»: «دیده امید»: استعاره - «دیده سفید شدن»: کنایه از کور شدن و «چشم داشتن» کنایه از توقع داشتن. این بیت با «تشبیه» رد می شود.

گزینۀ «۲»: «نخل عیش» اضافه تشبیهی - «گل» در مصراع دوم استعاره از منفعت و سود است. این بیت با کنایه رد می شود.

گزینۀ «۴»: «دل از هم گشتن» کنایه از بی مهری به یکدیگر. این بیت نیز با تشبیه رد می شود.

۱۰۶۹. **کینه ۴** — این بیت «بی قراری قلب عاشق برای رسیدن به محبوب» را به تصویر کشیده، در صورتی که در سایر ایبات مفهوم «قطع تعلق از اسباب دنیوی» دیده می شود.

واژه های تداعی کننده: گزینۀ «۱»: تو مرغ جاربری، با بام و نردبام کاری نداری. / گزینۀ «۲» ز جان و تن برهیدی / گزینۀ «۳»: سبک تر پیاده شو، بر تن سوار مباش.

۱۰۷۰. **کینه ۲** — مفهوم مشترک ایبات «الف» و «ت»: جلوه گر شدن یار (خداوند) در پدیده ها.

واژه های تداعی کننده: بیت «الف»: آفتاب و مه از نور او سخا می یابند. بیت «ت»: تو آفتابی که در هزار آبگینه (شیشه) پدیدار شده ای.

مفهوم سایر ایبات: بیت «ب»: عظمت خدا و درک محدود انسان / بیت «پ»: توصیف عاشقی و رسیدن به فنا

۱۰۷۱. **کینه ۲** — کلید فهم این بیت واژه «رعونت» است. این کلمه به معنی «مغرور شدن» به کار رفته و دانستن معنای آن در فهم بیت به ما کمک می کند: گوشه نشینی، غرور نفس می آورد همان طور که ادعا و گردنفرازی سگ نشسته از ایستاده بیشتر است.

مفهوم بیت: توصیه به ترک عزلت

۱۰۷۲. **کینه ۱** — بیت «ب»: عالم از نور روی تو روشنی یافت = عنایت عشق / بیت «ت»: جان از عهد الست (از ازل) با جانان در وحدت است. = ازلی بودن عشق / بیت «الف»: عشق تو کف بزند، صد عالم نو ایجاد می کند = قدرت عشق / بیت «پ»: با سوز عشق جهان کفر و ایمان را بر هم زن = از کفر و ایمان بگذر = پاکبازی در راه عشق